



۶۸

۹۷۸۶۰



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی

مدرنیسم و پسامدرنیسم در ادبیات داستانی معاصر فارسی

نگارش: منصوره تدینی

استاد راهنما: دکتر سیروس شمیسا

استادان مشاور: دکتر حسین پاینده

دکتر محمود بشیری

رساله برای دریافت درجه دکتري در رشته ادبیات فارسی

اسفند ۱۳۸۶

۹۷۸۶۰

وزارت اطلاعات مرکز علمی و
تعمیرات

۱۳۸۷ / ۲ / ۱۱

فرم گردآوری اطلاعات پایان‌نامه‌ها
کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان: مدرنیسم و پسامدرنیسم در ادبیات داستانی معاصر فارسی	
پژوهشگر: منصوره تدینی	
استاد راهنما: دکتر سیروس شمیسا	استادان مشاور: دکتر حسین پاینده، دکتر محمود بشیری
کتابنامه: دارد	واژه‌نامه: ندارد
نوع پایان‌نامه: بنیادی، کاربردی	
مقطع تحصیلی: دکتری	سال تحصیلی: ۱۳۸۶-۱۳۸۷
محل تحصیل: تهران	دانشگاه: علامه طباطبائی
تعداد صفحات: ۴۰۰+۸	گروه آموزشی: زبان و ادبیات فارسی
کلیدواژه‌ها به زبان فارسی: مدرنیسم، پسامدرنیسم، فراداستان، وجودشناسی، معرفت‌شناسی، اقتباس، زمان‌پریشی، پارانویا، دور باطل، ازهم‌گسیختگی، اختلال زبانی، عدم قطعیت، تناقض، جابجایی، فقدان قاعده، زیاده‌روی، فراروایت، اتصال کوتاه، فرجام باز، بینامتنیت، طنز و آبرونی، طرح	
Modernism, Postmodernism, Metafiction, Ontology, Epistemology, Pastiche, Aphasia, Paranoia, Short circuit, Fragmentation, Indeterminacy, Permutation, Contradiction, Irregularity, Excess, metanarrative, Open ending, Irony, Intertextuality, Plot	

تقدیم بہ دو پیام اور دانش و ادب و انسانیت

دکتر سیروس شمینسا و دکتر حسین پایندہ

چکیده

الف. موضوع و طرح مساله (اهمیت موضوع و هدف): به دنبال تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و نیز تغییر نگرش فلسفی انسان در آغاز قرن بیستم، تحولات مهمی نیز در عرصه هنر و ادبیات، تحت عنوان مدرنیسم شکل گرفت و گسترش این تحولات بعد از دهه ۱۹۶۰، منجر به تولد و تکامل تدریجی پسامدرنیسم از درون مدرنیسم شد. اکنون بعد از گذشت چند دهه و جهانی شدن این جریان، آثار آن اندک اندک در ادبیات فارسی نیز مشاهده می‌شود. بنا براین شناخت دقیق این دو جریان و مرزبندی بین آنها و همچنین تعیین حدود آثار پشامدرن با این آثار ضروری به نظر می‌رسد. همچنان که در سایر نقاط جهان نیز، ضرورت آن درک شده و مورد توجه قرار گرفته است.

ب. مبانی نظری: مبانی نظری پسامدرنیسم را باید در خاستگاه اولیه آن یعنی مدرنیسم جستجو کرد. بسیاری از نظریه پردازان مبانی این جریانات هنری را به طور مشترکی، در تحولات علمی، فلسفی، فرهنگی و اجتماعی-اقتصادی قرن بیستم می‌دانند، اما در مرزبندی بین مدرنیسم و پسامدرنیسم و تعیین مؤلفه‌های شاخص پسامدرنیسم اختلاف نظر دارند. مثلاً برایان مک‌هیل توجه به عنصر غالب محتوایی، یعنی محتوای وجودشناسانه را راه‌گشا می‌داند و برخی از نظریه‌پردازان مثل بری لوئیس، دیوید لاج و ایهاب حسن به مؤلفه‌های زبانی و ظاهری توجه دارند. در این تحقیق به اختصار نظریات برایان مک‌هیل، بری لوئیس، پتریشیا و، ایهاب حسن، دیوید لاج، ژان بودریار، ژان فرانسوا لیوتار، لیندا هاچن، فردریک جیمسن، دیوید هاروی و جان بارت- که هر یک پسامدرنیسم را از زاویه‌ای مورد توجه قرار داده‌اند- مورد بررسی قرار گرفته، سپس سعی در انطباق این نظریات بر داستان معاصر فارسی شده است. پرسش این تحقیق در مورد چگونگی شکل‌گیری پسامدرنیسم در داستان معاصر فارسی بوده است و فرض بر این قرار گرفته که این جریان-صرف نظر از جریانات تقلیدی- مدتی است به تبعیت از تحولات اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی و نیز تحت تاثیر تحولات جهانی در ایران نیز شکل گرفته، متها رنگ و بوی بومی پیدا کرده و ویژگی‌هایی خاص خود یافته است.

پ. روش تحقیق: در بخش نظریه ابتدا منابع موجود در این زمینه گردآوری و بررسی و از بین آنها مناسب‌ترین منابع برگزیده شد. سپس مقالات مهم هر یک از این نظریه‌پردازان تلخیص و تا حدی که به اصل مطلب لطمه نخورد، ساده و قابل فهم شد. در مواردی نیز، جهت خودداری از اطناب، به مرور کلی و کوتاه عقاید آنان اکتفا شد. برای انتخاب داستان‌های فارسی نیز داستان‌هایی از ابتدا در نظر گرفته شده بود که پس از بررسی، برخی از آنها حذف و برخی دیگر، به تناسب نیازهای این تحقیق جایگزین شدند. در این گزینش ارزشمندی این آثار و بالا بودن کیفیت ادبی آنها، همچنین دور بودن آنها از تقلید بی‌محتوا و بی‌ارزش از آثار غربی مورد توجه بود. سپس در هر یک از این آثار مؤلفه‌های موجود پسامدرنیسم، با ذکر شواهد متعدد استخراج شد و چگونگی کاربرد آنها مورد تجزیه و تحلیل و ارزیابی قرار گرفت.

چکیده

ت. یافته‌های تحقیق و نتیجه‌گیری: این پژوهش نشان می‌دهد که پسامدرنیسم به شکلی بومی شده در ادبیات داستانی معاصر فارسی شکل گرفته است ولی همه مؤلفه‌های پسامدرنیستی در آثار فارسی دیده نمی‌شوند، مثلاً استفاده از تشبیهات و استعاره‌های عجیب و دور از ذهن مورد توجه نویسندگان ایرانی قرار نگرفته است، همچنین اغلب این آثار برخلاف آثار غربی، کمابیش دارای پیرنگ هستند. در مورد سایر مؤلفه‌ها نیز هرگز همه آن‌ها را با هم در یک داستان نمی‌توان دید. از آن‌جا که روند جهانی شدن و درآمیختگی فرهنگی سبب ایجاد تفکر و نگرش فلسفی کمابیش یکسانی در اغلب نقاط جهان، از جمله ایران شده، این آثار نیز به طور مشترکی، حاوی نگاه فلسفی غالب این زمانه، یعنی محتوای وجودشناسانه، به عنوان عنصر غالب پسامدرنیسم هستند.

ث. پیشنهادها: در بررسی این نظریات و متون مشاهده شد که نکات قابل‌توجهی در این زمینه مسکوت مانده و نیاز به بحث و بررسی دارد. نگارنده این رساله در آخرین فصل، با طرح این نکات و بیان نظر خود در مورد آن‌ها، علاقمندان به این مباحث را دعوت به بحث بیشتر در این موارد کرده است. خلاصه این نکات بدین قرار است: ۱. تناقض بین دو خصلت متفاوت شخصیت‌های داستان پسامدرن، یعنی بی‌هویتی این شخصیت‌ها - که به صورت دو جنسیتی بودن، یا بی‌جنسیت بودن آن‌ها و همچنین به صورت نامیدن این شخصیت‌ها با حروف اختصاری و یا نام‌های سمبلیک و از طریق شخصیت‌پردازی مبهم یا سنخی (تیپ) بازتاب یافته است - و در عین حال صفت شورشگری آنان، زائیده تضادی است که بین پسامدرنیته و پسامدرنیسم وجود دارد. ۲. ابهام زمان، مکان و شخصیت‌ها در داستان پسامدرن را، می‌توان بر اساس نظریه کرونتوپ یا الگوی زمانی / مکانی باختین تبیین کرد. ۳. اتصال کوتاه در داستان پسامدرن نه فقط بین جهان داستان و جهان واقع رخ می‌دهد، بلکه بین سطوح متفاوت درون داستانی نیز اتفاق می‌افتد و همان تاثیر را ایجاد می‌کند. ۴. این تاثیر نه فقط با کمک ورود شخصیت‌ها به سطوح متفاوت وجودی، بلکه حتی با کمک حضور اشیا در جهانی که بدان تعلق ندارند، ایجاد می‌شود. ۵. برخی شخصیت‌های داستان پسامدرن در عین تکرار ظاهری، گاه به هم نزدیک و در نهایت یکی می‌شوند. شاید بتوان ریشه‌های شکل‌گیری این مؤلفه را در نظریات فروید در مورد ادغام و جابجایی - که در اسطوره نیز با آن روبرو هستیم - یافت، یعنی جمع بودن چند خصوصیت در یک شخصیت و در عین حال پراکنده شدن آن خصوصیات در افراد جداگانه و یا انتقال یک خصوصیت از شخصیتی به شخصیت دیگر، به عنوان سمبل و نشان‌دهنده گسیختگی و انشقاق روانی.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوای پایان‌نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می‌نمایم

نام استاد راهنما:

سمت علمی:

نام دانشکده:

عبدالله جباری

رییس کتابخانه:

پیش‌گفتار	۱
فصل اول: بررسی نظریهٔ پسامدرنیسم	۶
تاریخچه و تعریف اصطلاح	۶
مبانی فکری پسامدرنیسم	۸
ویژگی‌های عمدهٔ پسامدرنیسم	۱۱
پی‌نوشت‌ها	۱۲
فصل دوم: بررسی آراء نظریه‌پردازان مشهور	۱۵
برایان مک‌هیل	۱۶
- چکیدهٔ مقالهٔ «گذر از مدرنیسم به پسامدرنیسم در ادبیات داستانی: تغییر در عنصر غالب»	۱۶
- بررسی متن مقاله	۱۷
- نگاهی به سایر مقالات مک‌هیل	۲۵
- داستان پسامدرنیستی، داستان علمی-تخیلی و سیرپانک	۲۵
- عشق و مرگ در نوشتار پسامدرنیستی	۲۶
پی‌نوشت‌ها	۳۰
بری لویس	۳۳
- چکیدهٔ مقالهٔ «پسامدرنیسم و ادبیات»	۳۳
- بررسی متن مقاله	۳۴
بی‌نظمی زمانی در روایت روی‌دادها	۳۶
اقتباس	۳۶
از هم گسیختگی	۳۷
تداعی نامسجم اندیشه‌ها	۳۹
پارانویا	۳۹

۴۱ دور باطل
۴۱ اختلال زبانی
۴۳ پی‌نوشت‌ها
۴۷ پتریشیا و
۴۷ - چکیده مقاله «مدرنیسم و پسامدرنیسم: تعریفی جدید از خودآگاهی ادبی»
۴۸ - بررسی متن مقاله
۵۰ فراداستان و چارچوب شکنی
۵۱ فراداستان و بازی
۵۶ واقعیت به منزله امر برساخته
۶۱ پی‌نوشت‌ها
۶۴ ایهاب حسن
۶۴ - چکیده مقاله «به سوی مفهوم پسامدرنیسم»
۶۵ - بررسی متن مقاله
۶۵ - جدول تقابلی‌های دوگانه
۷۰ - خلاصه نظریات ایهاب حسن در مورد مختصات پست مدرنیسم
۷۰ عدم قطعیت
۷۰ پراکندگی
۷۰ عدم مرکزیت
۷۰ نبود یا خود را ندیدن
۷۰ غیرقابل وصف یا بیان نشدنی
۷۱ ترکیب
۷۱ شیر تو شیر

۷۱ مشارکت
۷۲ پی‌نوشت‌ها
۷۳ دیوید لاج
۷۳ - چکیده مقاله «رمان پست مدرنیستی»
۷۴ - بررسی متن مقاله
۷۴ تناقض
۷۵ جایجایی
۷۶ عدم انسجام
۷۸ فقدان قاعده
۷۸ زیاده روی
۸۱ اتصال کوتاه
۸۳ پی‌نوشت‌ها
۸۴ ژان بودریار
۸۴ - چکیده مقاله «وانموده‌ها»
۸۵ - بررسی متن مقاله
۸۹ پی‌نوشت‌ها
۹۰ ژان فرانسوا لیوتار
۹۰ - خلاصه نظریات
۹۳ پی‌نوشت‌ها
۹۴ لیندا هاچن
۹۴ - چکیده مقاله «فراداستان تاریخ‌نگارانه: سرگرمی روزگار گذشته»
۹۵ - بررسی متن مقاله

۱۰۰	پی‌نوشت‌ها
۱۰۱	فردریک جیمسن
۱۰۱	- خلاصه نظریات
۱۰۴	پی‌نوشت‌ها
۱۰۵	دیوید هاروی
۱۰۵	- خلاصه نظریات
۱۰۹	پی‌نوشت‌ها
۱۱۰	جان بارت
۱۱۰	- خلاصه مقاله «ادبیات غنی سازی»
۱۱۴	پی‌نوشت‌ها
۱۱۵	فصل سوم: پسامدرنیسم در ادبیات داستانی ایران
۱۱۵	سابقه پسامدرنیسم در ایران
۱۱۷	بررسی دوازده داستان فارسی
۱۱۸	کولی کنار آتش (منیر و روانی پور)
۱۱۸	- خلاصه داستان
۱۲۲	- بررسی مؤلفه‌های پسامدرنیسم در این داستان
۱۲۳	اتصال کوتاه: تداخل جهان واقعی با جهان داستانی
۱۳۰	عدم اقتدار مؤلف و شورشگری شخصیت‌ها
۱۳۹	محتوای وجودشناسانه
۱۴۶	شخصیت‌های فراداستان: وحدت ذرعین کثرت
۱۵۲	فرجام‌های چندگانه
۱۵۶	فروپاشی فراروایت‌ها

- ۱۶۱.....عدم قطعیت
- ۱۶۲.....آشکار کردن تصنع
- ۱۶۳.....پارانویا
- ۱۶۸.....طنز
- ۱۷۰.....شیوه‌های روایت
- ۱۷۵.....آشفته‌گی و عدم انسجام
- ۱۷۶.....آزاده خانم و نویسنده‌اش (دکتر رضا برآهنی)
- ۱۷۶.....خلاصه داستان
- ۱۹۰.....بررسی مؤلفه‌های پسامدرنیسم در این داستان
- ۱۹۱.....سطوح مختلف وجودشناسانه: قاب‌های تودرتوی متداخل
- ۱۹۷.....نمودار سطوح متفاوت وجودی در این داستان
- ۱۹۸.....جهان واقعیت و اقلیم داستان: سرزمین‌های آزاد بدون مرز
- ۲۰۴.....اتصال کوتاه
- ۲۱۱.....شخصیت‌های داستان پسامدرن: وحدت درعین کثرت
- ۲۱۵.....آشکار کردن تصنع: داستان نوشتن داستان
- ۲۲۴.....فرجام‌های چندگانه
- ۲۲۹.....بینامتنیت
- ۲۳۶.....درآمیختن سبک‌ها و انواع مختلف هنری (ژانرها)
- ۲۴۲.....تناقض و عدم قطعیت
- ۲۴۵.....تغییرات راوی و زاویه دید
- ۲۴۷.....شورشگری شخصیت‌ها و عدم اقتدار مؤلف
- ۲۵۶.....شخصیت‌های دوجنسیتی (هرمافروdit)
- ۲۵۹.....آشفته‌گی و عدم انسجام ذهن، پارانویا و شیفته‌گونگی

- ۲۶۶..... آشفته‌گی زمان و مکان و زمان‌پریشی
- ۲۷۱..... مرگ فراروایت‌ها
- ۲۷۲..... طنز و برعکس‌گویی (آیرونی)
- ۲۷۷..... کاظم تینا: لارنس استرن ایرانی
- ۲۸۰..... مرگ بازیگر (کاظم تینا)
- ۲۸۰..... - خلاصه داستان
- ۲۸۱..... - بررسی مؤلفه‌های پسامدرنیسم در این داستان
- ۲۸۲..... مرگ بازیگر: داهستان یک نمایش (گذار به فراداستان)
- ۲۸۷..... چند مکان در هستی (کاظم تینا)
- ۲۸۷..... - خلاصه داستان
- ۲۸۸..... - بررسی مؤلفه‌های پسامدرنیسم در این داستان
- ۲۹۵..... جاده‌ای رو به ویرانی (کاظم تینا)
- ۲۹۵..... - خلاصه داستان
- ۲۹۶..... - بررسی مؤلفه‌های پسامدرنیسم در این داستان
- ۲۹۹..... پیشامد که می‌گذشت (کاظم تینا)
- ۲۹۹..... - خلاصه داستان
- ۳۰۰..... - بررسی مؤلفه‌های پسامدرنیسم در این داستان
- ۳۰۱..... رقص مجسمه (کاظم تینا)
- ۳۰۱..... - خلاصه داستان
- ۳۰۲..... - بررسی مؤلفه‌های پسامدرنیسم در این داستان
- ۳۰۵..... اکبر نمی‌میرد (دکتر سیروس شمیسا)
- ۳۰۵..... - خلاصه داستان

- ۳۰۵..... بررسی مؤلفه‌های پسامدرنیسم در این داستان
- ۳۰۶..... اتصال کوتاه
- ۳۰۹..... بینامتنیت
- ۳۱۴..... آشفتگی ذهن و شیفته‌گونگی
- ۳۱۹..... عدم قطعیت و ابهام
- ۳۲۱..... نداشتن پیرنگ
- ۳۲۲..... آشفتگی زمان و عدم انسجام متن
- ۳۲۴..... شیوه‌های روایت
- ۳۲۶..... محتوای وجودشناسانه
- ۳۲۹..... بازگشت (دکتر سیروس شمیسا)
- ۳۲۹..... خلاصه داستان
- ۳۲۹..... بررسی مؤلفه‌های پسامدرنیسم در این داستان
- ۳۳۱..... نمودار سطوح متفاوت وجودی در این داستان
- ۳۳۴..... تاریخ سری بهادران فرس قدیم (دکتر سیروس شمیسا)
- ۳۳۴..... خلاصه داستان
- ۳۳۵..... بررسی مؤلفه‌های پسامدرنیسم در این داستان
- ۳۳۶..... بینامتنیت
- ۳۴۰..... آمیختن انواع ادبی (ژانرها)
- ۳۴۲..... عدم قطعیت و ابهام
- ۳۴۷..... تناقض
- ۳۴۹..... اتصال کوتاه
- ۳۵۳..... سیلان زمان و مکان
- ۳۵۷..... فرجام بی‌فرجام: چرخه بی‌پایان

۳۵۸	اجتشاش و عدم انسجام متن
۳۶۰	شيفته گونگی شخصیت
۳۶۲	محتوای وجودشناسانه
۳۶۵	پلکان (ابوتراب خسروی)
۳۶۵	- خلاصه داستان
۳۶۶	- بررسی مؤلفه‌های پسامدرنیسم در این داستان
۳۶۷	آشکار کردن تصنع: داستان خوانش داستان
۳۷۱	اتصال کوتاه
۳۷۲	درهم شکستن مرزهای ممنوعه وجودی
۳۷۸	شورشگری شخصیت‌ها: جوشش اصالت وجود
۳۸۱	فرجام‌های چندگانه
۳۸۲	حضور (ابوتراب خسروی)
۳۸۲	- خلاصه داستان
۳۸۳	- بررسی مؤلفه‌های پسامدرنیسم در این داستان
۳۸۳	محتوای وجودشناسانه: عنصر غالب محتوایی
۳۸۵	فصل چهارم: نتیجه‌گیری
۳۸۹	چند نکته قابل بحث
۳۹۳	واژه‌نامه فارسی به انگلیسی
۳۹۸	واژه‌نامه انگلیسی به فارسی
۴۰۲	فهرست منابع و مآخذ
۴۰۶	معرفی چند منبع برای مطالعه بیشتر

پیش‌گفتار

باورهای محکم و قاطع، حقیقت را

بیش از دروغ تهدید می‌کنند.

(نیچه، انسانی، تماماً انسانی، جلد اول ۴۸۳)

از مدت‌ها پیش ضرورت توجه به نظریه‌های جدید ادبی و همگام شدن با ادبیات جهانی، موضوع بحث قرار گرفته و علیرغم نظرات مختلفی که در مورد آن ابراز شده، اکنون کمابیش مورد توافق همگانی است و در صورتی که در این عرصه‌های جدید تلاش‌هایی صورت نگیرد، نیم آن می‌رود که علوم ادبی در ایران که روزگاری دراز پیش‌تاز ادبیات جهان بوده است، به سبب عقب‌ماندگی شدید از مباحث و نظریه‌های جدید علمی-ادبی دیگر نتواند پاسخ‌گوی مسائل و نیازهای ادبیات معاصر و حتی کهن ایران باشد.

زمانی که این موضوع را برای رساله انتخاب کردم، بحث بر سر این گونه مسائل، بخصوص پسامدرنیسم فراوان بود و این که به چه متونی پسامدرن می‌گویند و آیا اصولاً در ایران متن پست مدرن داریم یا نه، ذهن بسیاری، از جمله مرا به خود مشغول کرده بود. بنا بر این، در ابتدا نوعی کنجکاوی مرا به سوی مطالعه در این زمینه کشاند و حتی مقاله‌ای هم در این زمینه نوشتم. هنگامی که حدود یک سال بعد، دوباره آن مقاله را مطالعه و ویرایش می‌کردم، متوجه خامی‌هایی در آن شدم، اما محور اصلی آن همچنان مورد تایید من بود، بنا بر این بعد از مشورت با استادان بزرگوار راهنما و مشاور، آقایان دکتر سیروس شمیسا، دکتر حسین پاینده و دکتر محمود بشیری تصمیم گرفتم با انتخاب این موضوع، به عنوان رساله، به مطالعه و تحقیق اصولی‌تر و عمیق‌تری در این زمینه دست یازم.

برای این کار لازم بود ابتدا مجموعه‌ای از آراء نظریه‌پردازان پسامدرنیست را بررسی و گردآوری کنم و سپس این آراء را در متون داستانی فارسی مورد کنکاش قرار دهم. با همین هدف، کتب و مقالات فراوان موجود در این زمینه را که اغلب به صورت ترجمه بودند، تورقی کردم و منابعی را برگزیدم. علیرغم این که بررسی آراء نظریه‌پردازانی چون مک‌هیل، بری لوئیس، پتریشیا و دیوید لاج، لیندا هاجن و ایهاب حسن احاطه کافی را بر این امر فراهم می‌کرد، اما ترجیح دادم مجموعه کامل‌تری فراهم آورم و عقاید متفکرینی چون لیوتار، بودریار، فردریک جیمسن، جان بارت و دیوید هاروی را از سایر حوزه‌های علوم انسانی، مثلاً جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد و... نیز که با حوزه ادبی ارتباط تنگاتنگ داشتند، مورد توجه قرار دهم.

انگیزه من در این کار، در درجه اول تفکیک‌ناپذیری این حوزه‌ها از هم و در وهله بعد خلاصه و ساده کردن مقالات و نظریات پیچیده اینان بود، تا به دور از محدودیت‌های ترجمه، منبعی ساده شده، قابل استفاده و در عین حال تخصصی برای علاقمندان فراگیری این نظریات باشد.

واضح بود که استفاده از متون و منابع اصلی مرجح است، بخصوص که برخی ترجمه‌های این متون نقاط ضعفی داشتند، اما عاقل آن است که برای هر کار، وسع خود و مجموعه شرایط را در نظر بگیرد و من نیز با توجه به این که ترجمه‌های بسیار خوبی هم از استادان بنام این رشته، در دست بود که چنانچه من بعد، سال‌ها از عمر خود را نیز صرف فراگیری زبان انگلیسی می‌کردم، نمی‌توانستم برداشت‌های بهتری از آن متون داشته باشم، عقل را در استفاده از همین ترجمه‌ها دیدم. به هر حال هر پرنده‌ای به اندازه بال‌های خود می‌پرد. البته این به منزله رها کردن متون اصلی نبود، زیرا در جریان کار چه بسا مواردی که مجبور می‌شدم برای یافتن معادل‌های واژه‌ها و اصطلاحاتی که مترجمین مختلف به صورت‌های متفاوتی ترجمه کرده بودند، به متون اصلی مراجعه کنم. همچنین برای تکمیل پی‌نوشت‌های خود مکرراً مجبور به مراجعه کردن به سایت‌های اینترنتی به زبان اصلی بودم و لازم است اعتراف کنم که برای تأمین هدفی که در آغاز این مقدمه ذکر شد، یک محقق ادبی باید با چند زبان زنده دنیا در حد تسلط آشنا باشد و بر همه دانش‌جویان و فارغ‌التحصیلان ادبیات فارسی و... واجب است که در این زمینه تلاش کنند.

در مورد معادل اصطلاح پست‌مدرنیسم، نیاز به توضیح است که در متن جایی پست‌مدرنیسم و جای دیگر پسامدرنیسم به کار رفته است. علت این امر از جهتی وفادار ماندن به ترجمه‌ها و متونی است که از آن‌ها استفاده کرده‌ام، همان طور که در نقل قول‌ها نیز مجبور به امانت‌داری در رسم‌الخط بوده‌ام و مثلاً شکل صامت میانجی را حتی اگر متفاوت با رسم‌الخط این رساله بوده است، باز به همان صورت متن اصلی نوشته‌ام. اما علیرغم این که در مورد اسامی مکتب‌ها و جریان‌های ادبی، نیازی به ترجمه نیست - کما این که در مورد مکتب رمانتیسیسم یا سوررئالیسم یا کلاسیسیسم و غیره این کار صورت نگرفته است - در مورد اصطلاح پست‌مدرنیسم، به سبب نوعی نارسایی انتقال که در پیشوند «پست» وجود دارد، - زیرا قبلاً به معنای دیگری وارد زبان فارسی شده است - بهتر است از پیشوند «پسا» استفاده شود.

در بخش نظریه سعی کرده‌ام به دور از محدودیت‌های ترجمه، بعد از خواندن مقالات و فهمیدن آن‌ها، خلاصه قابل فهم و جامعی از آن‌ها ارائه دهم و در بعضی موارد اگر مثال خاصی از متون فارسی سراغ داشتم

یا توضیحی را برای روشن تر کردن مطلب لازم می‌دیدم به آن اضافه کرده‌ام. بنا بر این گاهی از متن مقاله فراتر رفته‌ام، بدون آن که در آن تغییر یا تحریفی ایجاد کرده باشم و دشوارترین بخش رساله من در همین قسمت نظریه بود.

گام بعدی برگزیدن منابع داستانی بود. برای این کار آثار نویسندگان مختلفی را در نظر داشتم که برخی از آن‌ها در تورتق مجدد، تایید و برخی حذف شدند و داستان‌های دیگری اضافه شد، از جمله کارهای کاظم تینا که تصادفاً و در طی کاری که برای گروه ادبیات معاصر فرهنگستان زبان و ادب فارسی انجام می‌دادم با آن‌ها آشنا شدم و آن‌ها را مناسب برای طرح در این رساله دیدم. بخصوص که با کمال تاسف دریافتم آثار کاظم تینا، به ناحق در محاق محو و فراموشی قرار گرفته‌اند. به همین سبب هنگام نوشتن این بخش، حالت روحی خاصی داشتم و در تمام مراحل کار نگاهی را مراقب و نگران کار خود می‌دیدم.

همچنین در مورد بخش مربوط به آثار استاد دکتر سیروس شمیسا هرچه جلوتر می‌رفتم، علیرغم آشنایی قبلی من با آثار ایشان، به ابعاد تازه‌ای از این چهره گمشده شگفت پی می‌بردم. شاید اطلاق این عنوان به یک شخصیت علمی - ادبی سرشناس عجیب به نظر برسد، اما هنگامی که به یاد بیاوریم چگونه نیمه هنرمند، شاعر و نویسنده این شخصیت، تحت‌الشعاع موفقیت‌های علمی و پژوهشی او پنهان و در حاشیه مانده است، این عنوان معنادار می‌شود. البته با توجه به هدف این رساله، در این جا نیز متأسفانه فقط بعدی از ابعاد این شخصیت بزرگ علمی و ادبی مورد توجه قرار گرفته است و جای آن دارد که آثار ایشان اعم از شعر، داستان، مقالات و حتی مقدمه‌های ارزشمندی که با نثری گیرا و دل‌نشین برآثار علمی خود نگاشته‌اند، مستقلاً موضوع تحقیق و رسالات دانش‌جویی قرار گیرد.

در مجموع سه رمان، یک داستان بلند و هشت داستان کوتاه را برای کار برگزیدم، که انتخاب هر یک دلایل خاص خود را داشت. مثلاً داستان‌های «حضور» و «بازگشت» به سبب ایجاد محتوای وجودشناسانه بدون استفاده از تکنیک‌های ظاهری پسامدرنیسم انتخاب شدند و رمان‌های «آزاده خانم» و نویسنده‌اش، «کولی کنار آتش» و «تاریخ سری بهادران فرس قدیم»، به سبب استفاده از اغلب مؤلفه‌های پسامدرنیستی.

سایر آثار حد متوسطی از مؤلفه‌ها را در خود داشتند. ولی در همگی این داستان‌ها محتوای وجودشناسانه، یعنی عنصر غالب پسامدرنیسم که محوری‌ترین مؤلفه آن است، برجسته شده بود. این امر پس از اتمام کار و جمع‌بندی نتایج مؤید نظر مک‌هیل، در مورد اهمیت عنصر غالب محتوایی بود.

نکته قابل ذکر دیگر، علت انتخاب روش M.L.A، برای ارجاعات بود. استفاده از این روش هم برای خواننده و هم برای نویسنده بسیار آسان و موجب صرفه‌جویی در وقت و ایجاد تمرکز حواس بیشتر است، در حالی که در روش‌های قدیمی ارجاع، نگاه کردن مکرر به زیرنویس‌ها یا پی‌نوشت‌ها، موجب گسیختگی ذهن و لزوم مراجعه مکرر به سطور پیشین می‌شود. به همین جهت استفاده از این روش را بر روش‌های دیگر ترجیح دادم.

در مورد نتایج کارم، غیر از جمع‌بندی کلی که در پایان رساله ذکر کرده‌ام و ارزیابی نظریه‌ها در آثار داستانی فارسی است، شش مورد را هم به عنوان زمینه‌هایی برای بحث مطرح کرده‌ام، که یافته‌های خود من است و در ضمن کار به آن‌ها رسیده‌ام. این نکات در مقالات نظریه‌پردازان مذکور مسکوت مانده است، و یا من از آن بی‌اطلاعم. طرح آن‌ها در این رساله به منزله دعوت به بحث بیشتر در این موارد است و می‌تواند برای روشن‌تر شدن این مقولات مفید باشد.

اکنون که پس از گذراندن یک دوره مهم از زندگی خود، به عقب برمی‌گردم و به این چند سال نگاه می‌کنم، سال ۸۳ را تولدی دوباره در حیات معنوی خود می‌بینم و در این تجدید حیات معنوی، خود را وام‌دار بزرگوارانی می‌بینم که نه فقط علم، بلکه انسانیت از آنان آموختم و دریچه‌هایی به دنیایی متفاوت، بزرگ و زیبا بر من گشودند، که هرگز تا پایان عمر خود از آن چشم‌برنخواهم داشت. گام زدن در چنین جهانی آسان نبوده است و لغزش‌های این راه فراوان است. در نگارش این رساله نیز از این لغزش‌ها به دور نبوده‌ام، اما به قول شیخ اجل، سعدی - علیه‌الرحمه - «به اعتماد سعت اخلاق بزرگان که چشم از عوایب زیردستان بی‌پوشند و در افشای جرائم کهتران نکوشند، کلمه‌ای چند به طریق اختصار... درج... و برخی از عمر گران‌مایه برو خرج...» شد.

برخود واجب می‌دانم که پیش از همه، از این بزرگواران سپاس‌گزاری کنم، علی‌الخصوص کلیه استادان بزرگوار این دانشگاه که طی این دوران، به طور مستقیم یا غیر مستقیم از وجود پر فیضشان بهره‌ها برده‌ام. و اما در میان این بزرگواران دو انسان والا حضور دارند که این جانب نه فقط برای این رساله و دروس دانشگاهی، بل که در تمام شئون علمی و انسانی، خود را وامدار ایشان می‌دانم و حیات معنوی خود را مرهون این بزرگان هستم: استادان بزرگوار، جناب آقای دکتر سیروس شمیسا و جناب آقای دکتر حسین پاینده، که سپاس بی‌کران خود را همراه این رساله تقدیم حضورشان می‌کنم. همچنین از استاد بزرگوار جناب

آقای دکتر محمود بشیری، علاوه بر آموزه‌های ارزشمندشان در طول این دوران، به خاطر راهنمایی‌های فاضلانه و مشفقانه‌اشان بسیار سپاس گزارم. در تدوین این رساله افتخار بهره‌مندی از محضر استادان گرانمایه دیگری نیز نصیب این جانب شده است: استاد بزرگوار جناب آقای دکتر علی اصغر مصلح از گروه فلسفه، استاد بزرگوار جناب آقای دکتر امیرعلی نجومیان از گروه زبان انگلیسی دانشگاه شهید بهشتی، و استاد بزرگوار جناب آقای حسن میرعابدینی از گروه ادبیات معاصر فرهنگستان زبان و ادب فارسی که با سعه صدر و سخاوت فراوان، وقت گرانمایه و راهنمایی‌های بی‌دریغ خود را در اختیار این جانب گذاشته‌اند. از ایشان بی‌نهایت سپاس گزارم. همچنین از استادان بزرگوار جناب آقای دکتر تقی پور نامداریان، جناب آقای دکتر سعید حمیدیان و جناب آقای دکتر داود اسپرهم که با قبول داوری این رساله، افتخار بهره‌مندی از دانش خود را نصیب این جانب فرمودند و مشقت مطالعه و نظر دادن در مورد این رساله را متحمل شدند، و نیز همه دوستانی که در این سال‌ها یاریگر من بوده‌اند و زبان من از ذکر نام و بزرگواری ایشان قاصر است و خانواده‌ام بخصوص همسر و فرزندانم که غیبت و قصور مرا در حق خود صبورانه تحمل کرده و پیوسته مشوق و حامی من بوده‌اند، نهایت تشکر را دارم.

در پایان اگر ناخواسته مطلبی را از کسی یا جایی بدون ذکر ماخذ نقل کرده‌ام، بخصوص استادان بزرگواری که محتمل است در اثر نشستن در محضر درسشان، مطالب آموخته شده را سخن خود فرض کرده و علیرغم میل و اراده قلبی‌ام، به تسامح نامی از ایشان نبرده باشم، تقاضای عفو و تذکر دارم.

منصوره تدینی

بهمن ۸۶

فصل اول

بررسی نظریهٔ پسامدرنیسم

تاریخچه و تعریف اصطلاح :

«اصطلاح پسامدرنیسم را نخستین بار در دههٔ ۱۸۷۰ شخصی به نام جان واتکینز چپمن^۱ (John Watkins Chapman) برای توصیف نقاشی‌هایی به کار برد که از لحاظ تکنیک پیشرفته‌تر از نقاشی‌های زمان خودش، یعنی نقاشی‌های امپرسیونیستی بود. در سال ۱۹۳۹، یک تاریخ‌نگار انگلیسی به نام آرنولد توینبی^۲ (Arnold Joseph Toynbee) از پیدایش عصر پسامدرن، به جای نظم بورژوازی قرن هفدهم به بعد سخن گفت و منظور او از این اصطلاح، یک نظم اقتصادی-اجتماعی بود. در سال ۱۹۵۷، یک تاریخ‌نگار فرهنگی آمریکایی به نام برنارد روزنبرگ (Bernard Rosenberg) جامعهٔ زمان خود را جامعه‌ای پسامدرن نامید، زیرا معتقد بود سیطرهٔ فناوری و پیدایش فرهنگ توده‌ای و روند جهانی شدن و یک شکل شدن رفتارهای فرهنگی، جامعه را به شکلی جدید دگرگون کرده است.

در سال ۱۹۶۴، لزلئی فیلدر^۳ (Leslie Fielder) این اصطلاح را برای توصیف یک فرهنگ نوپدید به کار برد که ویژگی‌های آن از نظر او مردود شمردن فرهنگ نخبه‌گرا و نفی ارزش‌های مدرنیسم بود.

در سال ۱۹۶۸، لئو استاینبرگ^۴ (Leo Steinberg) این اصطلاح را در مورد تحولات هنرهای تجسمی به کار برد. به نظر او، در این هنرها بازنمایی طبیعت کنار گذاشته شده و ایماژهای ساختهٔ بشر بازنمایی می‌شدند. «(پاینده، نقد ادبی و دموکراسی ۶۲-۶۱، نقل به مضمون و تلخیص)

اما بیشترین کاربرد این اصطلاح در معنای امروزی، در مورد شیوهٔ معماری پس از جنگ جهانی دوم است که تلفیقی از معماری نو و کهن بود. در ادبیات، این اصطلاح از دههٔ ۱۹۶۰ رواج پیدا کرد و در ۱۹۸۰ به اوج خود رسید. پیش از پرداختن به نظریات مختلفی که در این مورد وجود دارد، لازم است ابتدا به تمایز مفهوم سه واژهٔ پسامدرنیته، پسامدرن و پسامدرنیسم توجه شود. در کتاب راهنمای نظریهٔ ادبی معاصر به نقل از پیتر بروکر این طور نوشته شده است: